

# رجال عصر ناصری

## تألیف

### جناب آقای دوستعلی خان معیر الممالک

— ۲۲ —

#### فرزندان حسام الدوله

شاهزاده تیمور میرزا ملقب بحسام الدوله پسر حسینعلی خان فرمانفرما بود که او از فرزندان لایق فتحعلی شاه بشمار میرفت و فرمانروای فارس و بحرین خوانده میشد. وی دارای نوزده پسر و هفت دختر بود. از مادر تیمور میرزا که دختر محمد علی خان افشار بود دو پسر دیگر نیز بنام رضاقلی میرزا و اسکندر میرزا داشت. پس از مرگ فتحعلی شاه که محمد شاه غازی بر تخت نشست بسیاری از شاهزادگان که داعیه سلطنت داشتند تمیید شدند و چندتن نیز بمنوان اعتراض جلای وطن کرده بعتبات رفتند. از جمله تیمور میرزا بیفداد رفته سالها در آنجا ماند. فرزند ارشدش عالمشاه میرزادراین سفر دراز همراه او بود و از آنجا که پدر و پسر هر دو شکارچی و بیشتر مایل بصید باطیور شکاری بودند در بغداد برای خود دستگاه و لوازم شکار فراهم آورده باقوش بصید درنا و آهو وغیره پرداختند و بانتظار زمان مساعد و بازگشت بزادگاه خویش روزگار میگذرانند. تیمور میرزا پس از درگذشت زن اولش که عالمشاه میرزا از او بود دختر عموی خود نوشابه خانم را بزنی گرفت. وی فرزند حسامعلی میرزا شجاع السلطنه و شیرزنی بود که درحقیقت همردیف مردان بشمار میرفت و بمنظور زمینسازی برای بازگشت شوهر در پایتخت مانده بود. در آن عصر درخانه خود بی حجاب زندگی می کرد و چون میخواست بهرحاجتی از منزل بیرون رود بچادری ساده بدون روبند و چاقچور اکتفا میورزید و بمحض ورود بمقصد آنرا نیز از سر برمیگرفت. در طول مدت غیبت تیمور میرزا از خویشاوندان و دوستان شوهر در قسمت بیرونی همچنان بی حجاب پذیرائی میکرد و با آنان بصحبت و چاره جوئی می نشست. مانند همسر خویش بسواری و شکار میل فراوان داشت و اغلب بایسران خود و تنی چند از شاهزادگان دیگر و قوشبانا بزم صید بصحرا میرفت و بتاخت و تاز میپرداخت. در زرکنده باغ ییلاقی مصفا و عمارت دستگامی مجلل داشت. آنسوی استخری که رو در روی عمارت واقع بود تخت زیبا و بزرگی که گنجایش سی نفر راداشت در زیر سایه درختان چنار که سنال نهاده و آنجا را محل پذیرائی خود قرار داده بود.

نگارنده را ملاقات تیمور میرزا دست نداده ولی چندبار در خدمت پدرم مجالس پذیرائی نوشابه خانم را در کک کرده ام. او با وجود کهولت سن بالای تخت می نشست و با میهمانان مردانه رفتار میکرد. یکی از روزها که باو وارد شدیم دیدیم نقاشی انگلیسی که تازه بتهران آمده بود اندکی دور از تخت مزبور نشسته مشغول ساختن مجلس اوست. بعدها این تصویر و تصاویر دیگر از عمارت و چند گوشه باغ را باشمهای از شرح حال تیمور میرزا و نوشابه خانم در کتابی دیدم که نقاش انگلیسی در

انگلستان بچاپ رسانیده و یک مجلد آنرا برای صاحب مجلس و باغ فرستاده بود .



تیمور میرزا متجاوز از ده سال در بغداد بسر برد . پس از فوت محمدشاه و تکیه زدن ناصرالدین شاه بر اریکه سلطنت بنا بخواهش نوشابه خانم گروهی از مقرین در گاه از شاه استدعای احضار تیمور میرزا را کردند و مقبول افتاد . شاهزاده پس از بازگشت بتهران و شرفیابی بحضور مورد تقد شاهانه قرار گرفت و مخلص گردید . یکی از بهترین املاک ورامین باو عطا شد و ماهانه نیز هزار تومان برای مخارج خود و قوشخانه اش مقرر گشت . در آن زمان که حقوق سالانه هجیجک ازامیران ووزیران از دو تاسه هزار تومان بیش نبود بروز این التفات درحق تیمور میرزا باعث تعجب و رشک درباریان شد و در شهر شهرتی عظیم یافت .

تیمور میرزا که پس از سالها مهجوری باردیگر بوطن بازگشته ومورد توجه و الطاف ملوکانه قرار گرفته بود بادلگرمی بتوسعه دستگاہ شکار و تربیت طيور شکاری پرداخت . در این اوان نیکلا امیراطور روسیه شفقاری برسم هدیه برای شاه فرستاد . شنقار یک نوع پرنده شکاری است که درسرعت پرواز و

عالمشاه میرزا پسر تیمور میرزا حسارت شکفت آور است و در گرفتن صید رویه ای منحصر بخود دارد . این پرنده در سرزمینهای سردسیر از قبیل سیبری و ایسلند زندگی میکند و گاه نیز بهنگام گذار در مناطق نسبتاً معتدل دیده می شود که در این موقع صیادان ماهی آنرا بوسیله دامی مخصوص گرفتار میسازند و بطالبان عرضه میدارند . ناصرالدین شاه شفقار را برای دست آموز کردن به تیمور میرزا سپرد . او نیز که در این فن استاد بود بتربیت آن همت گماشت و چنانکه باید برای هنرنمایی آماده اش ساخت . روزی در اوائل خزان که موسم شکار درنا است تیمور میرزا آمادگی شفقار را بر مرض رسانید . بامر شاه اردوی شکاری بسوی کریم آباد که در جنوب شرقی تهران واقع است حرکت کرد و در شکارگاه سرابرده شاهی و خیمه های همراهان بریاشد . چند روز بازمایش پرنده صیدافکن تازه گذشت و هنرنمایی های شگفت و تماشائی از او بروز یافت . دریایان شکار تیمور میرزا مخلص بخلعت مخصوص شد و بر تقریبش دوچندان افزون گشت .

روزی شاه از تیمور میرزا خواست که عقابی رادست آموز کند (عقاب را اصطلاحاً شکارچیها قره قوش خوانند) و برای شکار آماده سازد . شاهزاده بیروی از میل شاه دستور داد که صیادان مخصوص از بی گرفتن عقاب روند . دام عقاب گیری را بال بند گویند و آن عبارت از تورنخی حلقه درشت و ضخمی است که بچهار قطعه چوب متصل میباشد و چون پایه چوبهارا در زمین بکو بند محفظه مستطیلی بوجود میآید که از چهار طرف با تور محصور و فقط قسمت فوقانی آن باز است . در مجالی که عقاب

دیده شود این دام را بر زمین استوار میسازند و کیوتری زنده در آن می بندند . عقاب بیدیدن کبوتر از اوج برای ربودنش سرازیر میشود و ندانسته بتور خورده و در آن می بیچد . سرانجام در جاجرود عقابی بدام آوردند و نزد تیمور میرزا بردند ، او نیز بتربیت آن پرداخت . چون دست قوشبانه تاب نگاهداری این حیوان درشت جنه را نداشت بدستور تیمور میرزا چوبی نسبتاً قطور بطول دو متر تهیه و آنرا نمد پیچ کرده نشیمن سلطان طیور قرار دادند . چون میخواستند آنرا برای آزمایش بصعرا برند دوتن قوشبان دوسر چوب مزبور را گرفته براه میافتادند . روزی در قرق جاجرود برای اولین بار عقاب را در حضور شاه بدنیال کبک بردادند . این آزمایش در آنروز سه بار تکرار شد و هر سه مرتبه با موفقیت انجام یافت . از آن پس صید با عقاب ضمن شکارهای شاه بعمل میآمد تا آنکه بازروی در جاجرود آنرا بکبک انداختند ولی این بار صید را گرفت و با خود برد که بقول داستان سزایان قدیم هنوز هم میبرد . . . .



در هرستان بچه شیری برای تیمور میرزا تحفه آورده بودند که رفته رفته ضمن رشد چنان رام و مانوس شده بود که مانند سگی هیچگاه از کنار صاحبش دور نمیشد . تیمور میرزا بآن علاقه فراوان بهم رسانده بود و هنگام بازگشت همراه خود با برانش آورد . بدرم حکایت میکرد که شیر مزبور در گرمابه نیز نمیخواست از تیمور میرزا دور بماند و هر گاه کسی او را مانع از این کار میشد با غرشی هولناک مینهماند که جای اعتراض نیست . گرمای گرمابه را با دهان بازوزبان آویخته تحمل میکرد و آنقدر نفس زنان در آنجا میماند تا تیمور میرزا از حمام بیرون رود . از ترس شیر دلاک مخصوص نتوانست بکار خود ادامه دهد و دلاکان دیگر حاضر نشدند در حضور شیر دست بکار زنند تا آنجا که ناچار عمل دلاکی بمهده یکی از گماشتگان که مأمور رسیدگی بآن حیوان و بالنتیجه با او مانوس بود محول گشت . روزی تیمور میرزا برای آزمایش درجه اطاعت شیر خواست طعمه را از دهانش بر باید ولی سلطان وحوش تاب این توهین را نیاورده دندانی درشت بردست شاهزاده جسور فرو برد . پس از این واقعه شیر دیگر بحال عادی بازنگشت و بیوسته با دیده کینه و تردید در تیمور میرزا مینگریست تا آنجا که شهزاده برخلاف میل شیر مانوس را بیباغ وحش گسیل داشت .



تیمور میرزا را از نوشابه خانم شش فرزند بود . چهار پسر بنامهای مسرور میرزا ، مفرور میرزا ، مشکور میرزا و فغفور میرزا ، و دودختر که مستوره خانم و مخموره خانم نامیده میشدند . مستوره خانم زن آقا ولی خان سپهسالار رشتی شد ولی مخموره خانم شوهر اختیار نکرد . شاهزاده تیمور میرزا در نث اول دوران ناصری در سن کهولت در گذشت و بنا بوصیت خود در جوار شاه اولیا در نجف بخاک سپرده شد و درسایه آرامش و امان در گاه مهرش جاودان آرمید . خانواده ای که اکنون افراد آن پور تیمور خوانده میشوند اسلاف آن شاهزاده آزاده میباشند . از جمله شاهزادگان خان خانان و نادر میرزا پور تیمور که هر دو در دستگاه شهربانی کشور با درجه سرهنگی انجام وظیفه میکنند و مهندس کامران میرزا و ابوالفتح میرزا پور تیمور که هر چهار بانگارنده و فرزندانم بحکم خویشاوندی و سوابق انس و الفت آمیزش دارند پشت سوم تیمور میرزا محسوب میشوند و براستی از هر جهت آراسته و دوست داشتنی هستند .

از چپ بر راست (نشسته) :  
 شاهزاده جهانوز میرزا -  
 آقامسرو (مسرور السلطنه)  
 پسر تیمور میرزا -  
 عبدالله ندیم (قوشبان) .  
 از راست چپ (ایستاده) :  
 نادهلی ، قوشچی شاهزاده  
 تیمور میرزا که بمسدا در  
 خدمت معیر الممالک تبریت  
 قوش می کرده است .  
 دوشن از قوش بانان  
**قوشها :**  
 قزل - شاهین - بالابان .





چون صید با طيور شکاری در ایران بکلی منسوخ گشته و سخن از شاهزاده تیمور میرزا یعنی سر آمد قوشبازان زمان درمیان است بی مناسبت نیست در پایان شمه ای از این فن واهم نکات آن یاد شود؛ قوشهای شکاری (کلمه قوش و باز بطور اعم بیرندگان شکاری اطلاق میشود) بر دونوعند:

- ۱ - زردچشم از قبیل قزل - طولان - قرقی - بیقو و غیره .
  - ۲ - سیاه چشم مانند شاهین - بالابان - چرخ (آشیانی بالابان را گویند) - بحری و غیره .
- طرق گرفتن و دست آموز کردن و رساندن (یعنی آماده ساختن حیوان برای صید) طيور مزبور بسیار مفصل است و مستلزم زحمت . مثلاً پس از گرفتن طولان بوسیله دو گره (دام مخصوص) بلا درنگ چشم حیوان را با ابریشم میدوزند و با چه بند چرمی بر باهاش میزنند ورشته ای که شکارند نامیده میشود بر آن می بندند و بالاخره حیوان را روی نشیمن مینشانند - نشیمن عبارت از قطعه چوبی است که بطور افقی روی پایه فیزی نصب شده و بر زمین کوبیده میشود . هر گاه عمل دوختن چشم انجام نگیرد حیوان وحشی که تازه بدام افتاده است آنقدر خود را باین طرف و آن طرف میکوبد که پره های بال و دمش شکسته میشود و اغلب خود نیز میمیرد . پس از يك شبانه روز قوشبان بهله (دستکش چیر بلند) بردست کرده طولان را روی آن مینشانند و قطعه گوشتی بر منقارش میمالد . حیوان گرسنه بیوی گوشت منقار را باز میکند و طعمه را میرباید . روز سوم دوخت چشمها را سست میکنند بطوریکه آنها نیمه باز شوند و حیوان اندکی روشنائی و اطراف خود را ببیند و بالاخره پس از يك هفته چشمهای طولان را بکلی باز میکنند و میکوشند که آنرا بیشتر روی بهله بنشانند و بر پشت و دمش آهسته دست بکشند . این کار را شبها نیز برابر چراغ ادامه میدهند تا طولان رفته رفته آرام و رام شود - آنگاه قوشبان قطعه ای گوشت بدست گرفته حیوان را از فاصله چند گام میطلبند و بر مرور بر مسافت میافزاید تا حدود صد متر . بدیهی است در تمام این موارد نخی محکم که یکسرش بشکار بند متصل و سردر بگر در دست یک نفر میباشد مانع از آنست که حیوان کاملاً آزاد باشد . پس از آنکه طولان چنانکه باید آموخته شد رشته را از پایش باز میکنند و آزادانه اش میطلبند و برای سیر کردنش مرغ زنده بچنگش میدهند . روز دیگر مرغ را در صحرا رها ساخته حیوان را از راه نسبتاً دور برای گرفتنش پر میدهند و پس از گرفتن مرغ با گوشت آن سیرش میکنند . بدین طریق طولان برای شکار طيور آماده میشود و با آن بصید کبک و تیهو و غیره میردازند که شکاری است بس لذیذ و با کیفیت . قزل باصطلاح استعداد کلان گیری دارد و با آن میتوان اردک و قاز و هویره و درنا صید کرد .

برای رام کردن و رساندن قوشهای سیاه چشم بجای دوختن چشم آنها کلاهی از چرم بر سرشان میگذارند که تا روی چشمها پائین میآید و تنها منقارش از شکاف آن بیرون میماند .

پس از دست آموز شدن نیز قبیل از شکار کلاه را بر سرش مینهند و فقط در حین رها ساختنش در پی صید آنرا از سرش بر میدارند . بقیه ترتیب آموخته ساختن سیاه چشمها بقراری است که در باره زردچشمها گذشت . قوشهای زردچشم بآب میزنند و از آن نمهراسند ولی سیاه چشمها از آب سخت بیمانند و اگر صیدشان بآب پناهنده شود از تعقیب آن باز میگرددند و در صورتیکه شکار خود را در هوا گرفته باشند و با آن در آب افتند دردم رهایش میسازند .



- ۱- محمدتقی خان شمیرانی .
- ۲- مجیدالدوله .
- ۳- محسن میرزا میرآخور .
- ۴- ادیب‌الملک .
- ۵- نظام‌الدوله میرالمالک .
- ۶- آقاعلی امین‌حضور .
- ۷- آقاعلی امین‌الصره .
- ۸- معتق السلطنه .
- ۹- نورمحمدخان امین‌دیوان .
- ۱۰- حکیم‌باشی طولوزان .
- ۱۱- (شناخته نشد) .
- ۱۲- عضدالملک .
- ۱۳- میرزا علیخان امین‌الدوله .
- ۱۴- شاهرزاده تیمورمیرزا (روزی که مخلص شده) .
- ۱۵- اقبال‌الدوله .
- ۱۶- آقا محمدتقی آقاداتی .
- ۱۷- محمدحسن خان .
- ۱۸- (شناخته نشد) .
- ۱۹- صنیع‌الدوله .
- ۲۰- محمدحسن خان .
- ۲۱- رحیم خان پسر به‌ام‌الملک .
- ۲۲- محمدحسن خان پسر امین‌الدوله .
- ۲۳- حسین‌خان پسر سهراب خان .
- ۲۴- اقبال‌السلطنه (عکس در دیوانخانه بین کدر تکیه دولت و زین‌خانه برداشته شده)

دستور رساندن شاهین و بالابان و چرخ برای گرفتن درنا و آهو خود فصلی جداگانه دارد که از حوصله این مختصر بیرون است .

شاهزاده تیمور میرزا در فن قوشبازی و دقائق آن تألیفی دارد بنام « بازنامه ناصری » که شامل کلیه نکات و چگونگی حالات و خصائص طيور شکاری و طرق تربیت آنها است . با اطلاعات و تجربیاتی که در طول سالها دقت و زحمت اندوخته بود در کتاب خود نکته‌ای را فروگذار نکرده و مجموعه‌ای در نوع خود بی نظیر بیادگار گذاشته است .



محمد علی معیری . مسجور

## شمیوه دلبازی

حسرتم از دوری روی جهان آرای تست  
 مستیم از بوی زلف و هستیم دریای تست  
 جانی و اندر دل ویرانهام ماوای تست  
 دانه دام دلم خال رخ زیبای تست  
 تشنه آن آتشم کاندلر می لبهای تست  
 آرزوئی و در آغوش تمنا جای تست  
 هر کجا را بنگرم بینم بیا غوغای تست  
 سروناز اندر چمن شرمنده بالای تست  
 کی بدور عاشقی پروانه را پروای تست  
 جرعه‌ای نوشم از آن صبها که در مینای تست  
 آنچه از ما دل ربوده یا کی و معنای تست  
 ایغوش آن بیباوسر کاندلر سرش سودای تست  
 با همه دلخستگی دیوانه و رسوای تست

آذر اندر سینه‌ام از عشق آتش زای تست  
 هر چه آید بر سرم از جور دور روزگار  
 راحتی و راحت فرای روح مائی در محن  
 دل نه بیخود شد بدم موی پرتابت اسیر  
 خسته آن فتنه‌ام کاندلر نگاهت خفته است  
 اشتیاقی و دل سودازده از تو بجان  
 عشق تو تنها نه در دل فتنه‌ها انگیزته  
 از فروغ روی تو رنگک از رخ گلها پرید  
 شمع بزم عشقی و از شعله‌ات خاک‌کسترم  
 راز پنهان باز گویم با همه مستان اگر  
 دلبران را جلوه روی دلنشین باشد ولیک  
 ای خوش آن سرور که در راه تو سر باز بجان  
 شمیوه دلبازی « مسجور » را نازم که باز